

سرنوشت مشترک رهبران تورکمن در دوسوی مرز!

ماه فوریه (بهمن) ماه خون و جنایت، ماه بزرگداشت یاد جانباختگان بهترین فرزندان ملت تورکمن در راه رسیدن به آمال ملی ملت خویش می باشد.

نگاه تاریخ به ملت تورکمن همواره غضبناک بود، در هر مقطعی که خیزش گسترده مردمی در راه کسب آرمانها و بدست گرفتن سرنوشت خویش بدست خود بود، تاریخ رقم شومی بر پیشانی این ملت میزند. از تشکیل دولت ملی در تورکمنستان در آغاز قرن بیستم یعنی پیش از اشغال تورکمنستان توسط بلشویکها- توسط خان یموتها، عزیز خان ها و جنید خان ها... گرفته تا برقراری نظام جمهوری خواهی به رهبری عثمان آخون در تورکمنستان جنوبی... در هر مقطعی که شورش عمومی آغاز می شود، این شور و شوق انقلابی توسط نیروهای خارجی و بکمک جاسوسان و پادوهای داخلی اش بخاک و خون کشیده می شود.

در فوریه ۱۹۳۸ تقریباً تمامی رهبران و کادرهای سیاسی، تمامی آنهایی که در راه تشکیل جمهوری تورکمنستان شب و روز نمی شناختند و با تمام توش و توان خود در برپایی ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نوین برای ملت خویش مبارزه می کردند، بدست "رفقای کمونیست" ارسالی از مسکو تیرباران شدند و در ۲۸ بهمن ۱۳۵۸ رهبران ملی تورکمنهای تورکمنستان جنوبی توماج، مختوم، واحدی و جرجانی توسط دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی به خوجه اعدام سپرده می شوند.

جانان رژیم استالین با براه انداختن ماشین کشتار، رهبران ملی تورکمن غایغسیز آتابای ها، ندریای آیتاک ها، حالمیرات صأحت مرادها، چاری ولک ها را بیرحمانه به سلاخی کشیده اجساد آنها را جبونانه در محل گمنامی انداختند، این جلادان حتی برای عزیزان آنها اجازه تدفین مراسم و خاکسپاری فرزندان رشید خود را نیز ندادند.

استالین در کمال بیرحمی تمامی تزه‌های مربوط به مسائل ملی را به زیر پا انداخت، نه از آونونومیا(خودمختاری ملی) خبری بود و نه از حق تعیین سرنوشت تا حد جدائی که در آغاز انقلاب تئوریزه شده بود، برعکس تمامیت گرایان و رژیم توتالیتر استالینی هر نوع کسب آزادی در راه تعیین سرنوشت ملی را خیانتی بزرگ تلقی کرده، مدعیان این تفکر را با عناوینی همچون "پان تورکیست"، "بورژوا ناسیونالیست" و "دشمنان خلق" و در آسیای مرکزی "همکاران باسماچی" به جوخه اعدام می سپرد. استالین اینک به تروریستی وحشتناک مبدل شده بود که از کشتن مشهورترین رقیب خود یعنی لئون تروتسکی که از چنگالش به مکزیک گریخته بود و وی را با تبر قطعه- قطعه می کند، ابائی ندارد....

بنیانگذاران جمهوری تورکمنستان در اواسط سال ۱۹۳۷ توسط مقامات امنیتی استالین یکی پس از دیگری دستگیر و از پست های دولتی عزل میشوند. در مفرک گ ب در لوبیانکای مسکو، غایغسیز آتابایف زیر شکنجه وحشیانه قرار می گیرد به وی اتهام همکاری با جنیدخان- که مسکو آنها را باسماچی می خواند، زده میشد. آتابایف از سپتامبر ۱۹۳۷ تا فوریه ۱۹۳۸ تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت. در یکی از بازجویی های کسل کننده که بازجو وی را خائن و دشمن خلق می خواند غایغسیز بشدت عصبانی شده می خواست با سه پایه بر پیشانی بازجو بکوبد ولی سه پایه به کف اطاق میخ شده بود که در این لحظه بازجو با تپانجه گلوله ای بر پیشانی این قهرمان ملی شلیک می کند. این واقعه در فوریه ۱۹۳۸ اتفاق می افتد. جانان جسد این رهبر تورکمنستان شورایی را همراه با دیگر انقلابیون اعدام شده در جنگلی در اطراف مسکو در گور دسته جمعی دفن می کنند که در سال ۲۰۰۰ راز این گور دسته جمعی که اینک در محله "کمونارکا" مسکو قرار دارد، برملا می شود.

از اندک اسنادی که از آرشیو ک گ ب شوروی و حزب کمونیست تورکمنستان بدست آمده می توان به عمق شکنجه های وحشیانه و ضد انسانی رژیم توتالیتر استالینی پی برد.

بدستور استالین به منظور تصفیه کامل رهبران تورکمنستان و نابود کردن آنها جلادی به اسم "یاکوف چوبین" به تورکمنستان فرستاده می شود. وی دست تمامی بازجوها را برای هر نوع شکنجه آزاد می گذارد.

فقط یک مثال:

«۱۹۳۷-۳۸-نجی یئللار تورکمنیستاندا اینگ غارانگقئ دؤوری حاساپلانئپ بیلر. بیگؤنأ آداملارئنگ غارشئسنئا تؤولانان جنایات ایشلر غوزغالئپ، آراسسا آداملاردان جنایاتچئلار یاسالدئ. توسساغلارا غارشئ فیزیکی گؤیچ اولنماغا گؤز یوموپ، توسساغ اتماگه بویریوق برن پرؤکؤرؤتورا/محکمه / اؤرگانلاری-دا بو ایشه غاتناشدئ.»  
(س.س.س.ر.ک.گ.ب-سی نینگ آرشیو ماتریاللارئندان)



شکنجه گر و بازجوی نديربای آیتاکوف فردی تاتار بنام ابراهیم نورایف بود که زمانی توسط آیتاکوف وی را از داشکنت آورده بعنوان کارمند دادستانی منصوب میکند. وقتی مردم از آزار بیش از حد وی به آیتاکوف شکایت می کنند، آیتاکوف او را از کار اخراج می کند. همین امر سبب می شود که وی کینه آیتاکوف را در دل داشته باشد. وقتی اولین رئیس جمهور تورکمنستان یعنی آیتاکوف دستگیر می شود، همین نورایف پس از شکنجه های وحشتناک چون یارای نگاه کردن به چشمان آیتاکوف را نداشت از پشت سر گوله ای بر سرش خالی میکند.

همین سرنوشت بر پیشانی حالمرآد صأحت مترادف و چاری وللكوف اعضای شورای رهبری کادرهای رده بالای جمهوری تورکمنستان رقم زده می شود. در مورد این جنایات سفیر انگلستان در مسکو طی تلگرامی که به لندن مخابره می کند، گزارش می دهد.

Doc. 131

[N 4863/250/38]

*Viscount Chilston to Viscount Halifax.—(Received August 27.)*

(No. 404.)

My Lord,

*Moscow, August 20, 1937.*

IN my telegrams Nos. 44, 48 and 51, Sir, I had the honour to report the downfall of the Presidents of the Soviet Republics of Tadjikistan, Armenia and Turkmenistan as well as of numerous other bearers of high office in these republics. In other recent telegrams and despatches, I have had to report numbers of arrests and imprisonments of high party and Government officials in almost every part of the Union. Moreover, there is every reason to suppose that in addition to those whose disgrace is officially published in the press there are every month hundreds of arrests and executions of which the general public never hears. In view of the shortcomings of the Komsomol leaders it has been decided to restore normal relations between Komsomol officials and put a stop to the "friendly" relations which have existed hitherto. Officials must realise that they have no private life, their whole existence being bound up with politics. Furthermore, all

I have, &c.  
CHILSTON.

British Documents On Foreign Affairs (1917-1939) Part II. Vol.14 University Publications of America. S. 184

ماه فوریه (بهمن) برای تورکمنها در تورکمنستان جنوبی (تورکمن صحرا) نیز ماه حسرت و اندوه، بزرگداشت یاد جانباختگان رهبران ملی، یادآور ترورهای وحشتناک رژیم ضدبشری علیه ملتی که تنها خواست آنها بدست گرفتن و تعیین سرنوشت خویش بدست خود و دفع غارتگران زالو صفت از سرزمین خود بود، می باشد. رژیم جمهوری اسلامی و ایدئولوژی تمامیت گرا و شوونیسم فارس و شیعی گری، همراه با فئودالها و ستاره بدوشان دریاری که اینک بجای نشان ارتشی و قبه و باگون به ریش و عمامه مزین شده بودند، دست در دست هم داده بهمراه پادوهای محلی شان (که حتی ارزش آوردن اسمشان را ندارند) و به دست دوستان نادانی که در یک سازمان سیاسی تجمع کرده با حرکات و مانورهای بیش از حد رادیکالی آب در آسیاب این جانیان ریختند. دشمن در کمین فرصت به شکار رهبران ملی دست می زند و توماج، مختوم، واحدی و جرجانی را جبونانه به اسارت می گیرد و بالاخره پس ۱۰ روز شکنجه اجساد تیرباران شده آنها را در جنگل گلستان به زیر پل می اندازد.

سئوالاتی در رابطه با آدم ربائی رژیم:

- ۱- در نشریه کار چریکها نوشته شد که (فقط نشریه کار به این مسئله اشاره کرد- نه هیچ روزنامه دیگری) رهبران تورکمن در آن شب مرگزا با هئیت اعزازی نمایندگان دولت در امور زمین و کشاورزی جلسه داشتند که پس از پایان جلسه و در راه بازگشت به منزل توسط پاسداران ربوده می شوند. سئوال اینجاست چرا از هئیت و نمایندگان دولت بعدا در هیچ جا و در هیچ مطبوعاتی نامی برده نشد و یا خود آن اشخاص نگفتند که با رهبران ستاد ملاقات داشتند؟ سازمان چریکها که توانسته بود دستخط پاسدار حسین استکی را از پادگان ولیعصر دربیآورد، چرا تا کنون در مورد این هئیت دولت چیزی نگفت؟ چرا این دیدار در شب صورت گرفت؟... به نظر من این دیدار یک داستانسرای کاملاً دروغین ابداعی چریکهاست، اگر عکس آن است دست به شفاف سازی بزند.
- ۲- چرا آدم ربایان رژیم که ظاهراً علیه کمونیست ها و چپی ها مبارزه می کنند کاری به کار فریدون ها و دیگر کادرهای ارسالی فداییان مستقر در ستاد شوراهای تورکمن صحرا نداشته به ربودن رهبران شوراها بسنده می کنند؟
- ۳- طرح آدم ربائی و ترور رهبران تورکمن از قبل طراحی شده بود یعنی - چگونگی بدام انداختن و کشاندن آنها به ستاد، بیرون کردن محافظین تورکمن ستاد در آن شب و گماردن کسانی که حتی صدای آنها از پشت تلفن برای ارزانش که

دائما با ستاد در تماس تلفنی بود، ناآشنا بود— کشتن و انداختن جسد رهبران به جاده و سپس انداختن آن بگردن گروه "فدائیان ترکمن" (گروهی از دانشجویان و روشنفکران جوان ترکمن در آغاز انقلاب با این عنوان حرکت کردند که بعدا در پیشگام فدائیان حل شدند) ، انکار خلخال، داستانسرای رضائی مبنی بر ربوده شدن توماج ها در بین راه ... کاملا برنامه ریزی شده بود....

۴- من حتی در مورد وجود دستخط های حسین استکی پاسداری که در تهران رهبران شوراهای به اسارت گرفته شده را از پادگان ولیعصر تحویل گرفته و غیره مشکوکم— چرا، اگر سازمان به این نوع سند دستیابی کرده، چرا دنباله موضوع را تا آزادی توماج ها نگرفت.

۵- فرمانده وقت سپاه جواد منصوری سالها بعد در یک برنامه تلویزیونی اعتراف می کند و از قول خلخال که در میدان آزادی در مراسم سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن نشسته بودند- می گوید- یعنی خلخال به منصوری می گوید که بچه های سپاه رهبران تورکمنها را در گنبد گرفتند و من می خواهم آنها بروم اعدام بکنم - منصوری می گوید- خلخالی رفت و اعدام کرد- یعنی چرا رهبران تورکمن را به تهران بیاورند؟

۶- تا وقتی که فریدون ها، فتاپورها، احمد جوشنی و دیگر مسئولین چریکها در تورکمن صحرا مسئله را کاملا بازگویی نکنند و تا شفاف سازی کامل این سئوالها، سازمان چریکها زیر تیغ اتهام قرار دارد و باید به ملت تورکمن پاسخ دهد.

۷- با اینکه سازمان چریکها مراسم راهپیمائی سیاهکل را تهران و شهرهای بزرگ لغو کرده بود، فدائیان دو آتشه پیشگام تورکمن اصرار بر برگزاری راهپیمائی سیاهکل می کنند. این عده از مسئولین پیشگام تورکمن نیز باید در این مورد پاسخگو باشند. (همانگونه که باید از غارت اموال گرانبهای ساختمان مهمانسرای فرمانداری گنبد و بردن آنها توسط کامیون پدر به منزل اش پرده برداشت)

۸- ملاقات یکی از رهبران چریکها با کاردار سفارت انگلستان و سفرهای متعدد کارمندان سفارت انگلستان به گنبد که بازیگران اصلی پشت پرده این توطئه شوم باید باشند را نیز نباید از نظرها دور داشت. چریکها باید پاسخ دهند این کادر رده بالا که با کاردار سفارت بریتانیا در تهران دیدار کرد و بعد مسئله سفر انگلیسی ها به منطقه پیش آمد، به چه منظوری بود؟ این کاردار در نامه محرمانه خود به لندن خبر ترور رهبران تورکمن و اخبار منطقه را با آب و تاب گزارش می دهد.

۹- روحانی مبارز تورکمن آخون ارزانش در خاطراتش (نوار صوتی آن موجود است) اشاره می کنند که در آن شب قرار بود در رابطه مسائل مهمی با توماج، مختوم و واحدی در منزل اش جلسه ای گذاشته می شود. این جلسه برخلاف تصور برخی چریکهای تورکمن درباره راهپیمائی سیاهکل نبود، چرا که رهبران تورکمن از لغو آن در تهران خبر داشتند، مسئله جلوگیری حرکات تهییجی و افراطی چریکها و پیشگام تورکمن بود، و اتخاذ سیاستی مستقلانه از چریکها بود. که صد البته این حرکت رهبران تورکمن به مذاق چریکها و پیشگام ترکمن خوشایند نبود.

۱۰- اخیرا یکی از همین هواداران ترکمن چریکهای فدائی با نام مستعارت-طواق در وبلاگ "گفتمان ترکمن" ادعان داشتند که: **"[چهار نفر] بدلیل فزونی کار و طولانی شدن جلسه ستاد، دیر می کنند".** گویا این شخص در آن جلسه و شب مرگزا در محل ستاد حاضر بود که با این صراحت به طولانی شدن جلسه اشاره می کند. فکر نمی کنم رهبران شوراهای در یک شب در دو محل جداگانه (ستاد و منزل ارزانش) جلسه مهمی بگذارند.

یاد و خاطره رهبران ملی تورکمن در هر دوسوی مرز- هم در تورکمنستان شمالی و هم در تورکمنستان جنوبی در یاد و سینه ملت تورکمن باقی خواهد ماند و ملت تورکمن تا رسیدن به آرمانهای ملی خویش که همانا ایجاد جامعه ای دموکراتیک می باشد، لحظه ای از پای نخواهد ایستاد.

آرنه گلی

مدیر مرکز مطالعات تورکمن

۱۵ فوریه ۲۰۲۰

بعنوان ضمیمه این مقاله

- ۱- ویدئوی مصاحبه با کمینه آتابایف فرزند غایغیسیز آتابایف
- ۲- فایل صوتی برنامه ویژه رادیوئی بمناسبت ترور توماج و یارانش را می آوریم.